

۵۰ عادت که ثابت میکند شما کارآفرین متولد شده اید

الهام بخش ترین کارآفرینان، کارآفرینی را با رگ و پی خود حس می کنند. آنان متولد شده اند که کارآفرین باشند، یعنی رسیدن به نقطه ای که هیچ چیز دیگر در زندگی جز آن نمی تواند آنها را راضی کند .

وب سایت بازده - ترجمه امیر پوریانسیب: الهام بخش ترین کارآفرینان، کارآفرینی را با رگ و پی خود حس می کنند. آنان متولد شده اند که کارآفرین باشند، یعنی رسیدن به نقطه ای که هیچ چیز دیگر در زندگی جز آن نمی تواند آنها را راضی کند. آنان می خواهند بنگاه های خودشان را خلق کنند، بسازند، و رشد دهند. آنان لبریز از اشتیاق نبوغ و استعدادشان هستند.



در این جا ۵۰ عادت آمده است که به یک کارآفرین مادرزاد کمکی نمی کند، ولی به شما نشان می دهد آنان چه عاداتی دارند. چه تعداد از این عادات را شما دارید؟

۱. شما حالا حالاها نمی توانید بنشینید. ایده ها و تفکرات جدید مدام شما را قلقلک می دهند تا آنها را عرضه کنید و کار بزرگی صورت دهید.

۲. شما همیشه ایده های جدید دارید. خوب یا بد، این جریان ایده ها هرگز متوقف نمی شود.

۳. شما به عنوان یک کارآفرین می توانید به نقایص ایده های دیگران با دقت بپردازید. این عادت در سرشت شما است.



۴. شما شیفته و طرفدار صاحبان کسب و کارهای موفق هستید. استیو جابز، ریچارد برانسون، مارک زاکربرگ، و بیل گیتس فقط چند تا از قهرمانان شما هستند.

۵. شما وقتی کسب و کار موفق را می بینید به هیجان می آید. چه یک قهوه خانه ی محلی یا یک سوپرمارکت بزرگ باشد، شما نمی توانید وقتی یک کسب و کار موفق را می بینید لبخند نزنید و به وجد نیایید.

۶. شما دائما به بهبود کسب و کار کارفرمای تان فکر می کنید. وقتی در محل کار هستید، به تنها چیزی که فکر می کنید این است که چه طور می توان کارها را بهتر انجام داد.

۷. از این متنفر هستید که به شما گفته شود چه کاری را انجام دهید. شما از دستور گرفتن از دیگران می رنجید.



۸. شما عاشق یاد گرفتن کارهای جدید هستید. پی بردن به قوانین و مطالب آموزشی چیزی است که تمام شخصیت شما را نشان می دهد.

۹. شما چیزها را تفکیک و باز می کنید تا ببینید چه طور کار می کنند. کلیدهای کنترل (ریموت ها)، توسترسازها، تلفن ها- شما عاشق این هستید که ببینید داخل شان چطور کار می کند.

۱۰. شما به عنوان یک کارآفرین رویای ثروت را می بینید. پول همه چیز نیست، ولی شما اگر نتوانید کمکی به ثروتمند شدن تان بکنید، می توانید آن را در ذهن داشته باشید.



۱۱. شما به آسانی تسلیم نمی‌شوید. شما با چالش‌های سخت و طاقت‌فرسا رو به رو می‌شود ولی به راه‌تان ادامه می‌دهید.

۱۲. شما در عادات‌تان نظم دارید. شما برنامه‌های کاری روزانه دارید که به آسانی نقض نمی‌شوند.

۱۳. شما از کار سخت نمی‌ترسید. شما ۱۰۰ درصد هر چیزی را وقف کار و زندگی‌تان می‌کنید.

۱۴. شما آستانه بالایی برای ریسک‌پذیری دارید. شما ریسک‌های کورکورانه را نمی‌پذیرید، ولی نمی‌توانید تن‌پرور و از خودراضی باشید.

۱۵. شما تا آن‌جا که بتوانید با آدم‌ها ملاقات می‌کنید. شما نمی‌ترسید روابط‌تان را گسترش دهید و آدم‌های جدید را ملاقات کنید.



۱۶. شما با هر آدمی که ملاقات می‌کنید حرف می‌زنید. غریبه‌ها شما را تهدید نمی‌کنند.

۱۷. شما از شکست با موفقیت خارج می‌شوید. شما شکست خردکننده‌ای را تجربه کرده‌اید، ولی این شکست هرگز شما را از برگشتن و دوباره سرپا ایستادن متوقف نمی‌کند.

۱۸. شما دوست دارید رئیس مقتدر باشید. شما دوست دارید یک رئیس به نظر برسید.



۱۹. شما اهدافی را برای خودتان وضع می‌کنید. اهداف، کوچک یا بزرگ، در زندگی‌تان وجود دارند.

۲۰. شما هر وقت بتوانید به آدم‌های دیگر کمک کنید. شما به خوب‌تر و خوب‌تر علاقمند هستید.

۲۱. شما در هر کاری که انجام می‌دهید چالش‌ها را پیدا می‌کنید. شما به دنبال فرصت‌هایی می‌گردید تا خودتان را به چالش بکشید.

۲۲. شما راه‌هایی را پیدا می‌کنید که به آدم‌ها الهام بدهید. شما با الهام دادن الهام می‌گیرید.

۲۳. شما هر کاری را با کوچک‌ترین جزییات و مفصل انجام می‌دهید. طرح و برنامه پیش‌نیاز هر فعالیتی است.

۲۴. شما به خودتان افتخار می‌کنید. شما آن که را هستید دوست دارید.



۲۵. شما به دوستان‌تان کمک می‌کنید مشکل‌شان را حل کنند. شما در تحلیل مشکلات دیگران بزرگ‌منش و بی‌نظیر هستید.

۲۶. شما با اثربخشی کارها را تفویض می‌کنید و منابع را تخصیص می‌دهید. هم در کارهای روزمره و هم در امور کسب و کار، مثل هم.

۲۷. شما برای خودتان مواعد و سررسیدها را مقرر می‌کنید. بدون بهانه.

۲۸. شما دوست دارید داستان بگویید. شما دوست دارید به مردم از تجربتان بگویید.

۲۹. شما در حد دیوانه‌کننده‌ای اهل رقابت هستید. شما حتی نمی‌توانید یک بازی تخته‌نرد را بدون این که ضربان قلبتان بالا برود انجام بدهید.

۳۰. شما دوست دارید با کارها و امور دیگر درگیر و مشغول شوید. اگر خودرویی کنار جاده باشد، شما از خودروی خود پیاده می‌شوید و می‌پرسید آیا می‌توانم کمک کنم.



۳۱. شما هر چیز را که دیگر مصرف و کاربردی برای‌تان نداشته باشد یک دفعه حذف یا متوقف‌اش می‌کنید. اگر چیزی بی‌اثر و مزاحم است، باید کنار گذاشته شود.

۳۲. شما هروقت بتوانید مذاکره می‌کنید. مذاکرات در بازارها و برای حقوق‌ها فقط شروع و دست‌گرمی هستند.

۳۳. شما ظرفیت آدم‌ها را می‌بینید. شما نگاه نمی‌کنید که آدم‌ها کی هستند. بلکه نگاه می‌کنید آدم‌ها چه کاری می‌توانند بکنند.

۳۴. شما در مواقع بحرانی خون‌سرد هستید. وقتی همه‌چیز درب و داغان می‌شود و به هم می‌ریزد، شما هنوز هم منطقی فکر می‌کنید.

۳۵. شما وقتی چیزی از آدم‌ها می‌خواهید دائماً پی‌گیری می‌کنید. شما اجازه نمی‌دهید فرصت‌ها بروند.



۳۶. از چیزهایی که وقت‌تان را تلف می‌کند اجتناب می‌کنید. شما از بازی‌های موبایل و وقت گذراندن در شبکه‌های اجتماعی اجتناب می‌کنید و خودتان را در برابر آن‌ها واکسینه کرده‌اید.

۳۷. شما آدم‌ها را متقاعد می‌کنید طرف شما را بگیرند. شما ذاتاً و طبیعتاً یک آموزگار معانی و فن بیان هستید (علم بدیع می‌دانید)

۳۸. شما تصمیمات واقعی و نه تصمیمات هیجانی می‌گیرید. بیشتر مواقع، شما به منطق‌تان اعتماد می‌کنید تا عواطف و هیجان‌های‌تان.

۳۹. شما عواطف و هیجان‌های آدم‌ها را فراموش نمی‌کنید. به همین دلیل علاقه و همدردی زیادی نسبت به شما وجود دارد.



۴۰. وقتی پروژه‌های پرشور را دنبال می‌کنید زمان را گم می‌کنید. به نظر می‌رسد وقتی سرتان گرم کار روی چیزی است وقت فرار می‌شود و گذر زمان را نمی‌فهمید.

۴۱. به تکرار و دفعات، پروژه‌های پرشور و جذاب را شروع می‌کنید. هر هفته یک ایده‌ی جدید به مشغولیات و ذهن بازی‌گوش شما انتقال می‌یابد.

۴۲. شما دائماً خانه‌تان (یا خودرو یا هر چیز دیگر) را ارتقا می‌دهید. همواره چیزی هست که به آن فکر کنید یا عوض کنید یا بهبود دهید.

۴۳. شما دیوانه‌ی فناوری‌های جدید هستید. شما به یادگیری چگونگی کارکرد فناوری‌های جدید که بتواند زندگی‌تان را بهبود بخشد اعتیاد دارید.



۴۴. شما به عنوان یک کارآفرین اخبار را هر روز می‌خوانید. این یک عادت ثابت و ریشه‌دار است.

۴۵. شما حریصانه کتاب می‌خوانید. هر کتاب چیز جدیدی را عرضه می‌کند.

۴۶. شما به صدای درون تان گوش می‌دهید. شما به غرایز و ندای درون تان اعتماد دارید.

۴۷. شما به نظر و مشورت دیگران گوش می‌دهید. شما تصمیمات خودتان را می‌گیرید، ولی به نظرات دیگران نیز گوش می‌دهید.



۴۸. شما در گذشته سکونت ندارید. وقتی چیزهای بد و ناگوار رخ می‌دهند، شما به حرکت ادامه می‌دهید.

۴۹. شما برای چیزی که می‌خواهید قربانی می‌دهید. شما می‌دانید باید چیزهایی را فدا کنید تا موفقیت بزرگ‌تری را ببینید.

۵۰. شما به عنوان یک کارآفرین هرگز رویاهای تان را حذف نمی‌کنید. شما به الهام‌های خودتان عمیقاً باور دارید. آنها بخشی از وجود شما هستند.

آیا شما متولد شدید که یک کارآفرین باشید؟ اگر این عادات با شما پیوند دارند، وقت اش است که دنبال چیزی بروید که برای آن به دنیا آمده اید.

موفقیت بدون کارآفرینی هم میشه؟!

مشکلی که اکثر کارآفرینان دارند این است که سبکی از زندگی را به خود تحمیل می کنند که برای آن ساخته نشده اند. علت این است که با قرار گرفتن در این جو خاص، فکر می کنند این همان کاری است که باید انجام دهند .

وب سایت دیجیاتو - پیام ادیب: مشکلی که اکثر کارآفرینان دارند این است که سبکی از زندگی را به خود تحمیل می کنند که برای آن ساخته نشده اند. علت این است که با قرار گرفتن در این جو خاص، فکر می کنند این همان کاری است که باید انجام دهند. به همین دلیل پیرو جمع می شوند و با چشمانی بسته قدم به داخل این گود می گذارند. به همین دلیل بسیاری از کارآفرینان احساس می کنند مسیر درست را گم کرده اند و انگیزه ی لازم برای ادامه ی راه را از دست می دهند.



این دسته مدام به دنبال یافتن پاسخ می گردند، تشنه ی راهنمایی اند، و هر کتاب و مقاله ای در این زمینه را مطالعه می کنند، به این امید که انگیزه ی از دست رفته شان ترمیم شود. اما پاسخ آنها ساده است: «شما برای این کار ساخته نشده اید». برای اینکه دید بهتری از موضوع به دست بیاورید، در ادامه ی این مطلب با دیجیاتو همراه باشید. استیو توباک در این باره می گوید: «وقتی با استارتآپ های حوزه ی فناوری آشنا شدم، بلافاصله فهمیدم مسیر آینده ام همین است. مثل این بود که سال ها گم شده باشم و در نهایت مسیر خود را از میان جنگلی پهناور به سمت روشنایی پیدا کرده باشم. مسیر پیش رویم به یکباره واضح شد. می دانستم باید در همین حوزه فعالیت کنم و همین کار را هم کردم. به دانشگاه برگشتم و مدرک مهندسی خودم را گرفتم».

او در ادامه می گوید: «حتی همان زمان هم سال ها با رسیدن به کوچکترین موفقیتی فاصله داشتم؛ در واقع بیشتر از ده سال. این ده سال را به عنوان مدیر ارشد اجرایی در چند شرکت موفق کوچک و بزرگ سپری کردم، و در این مدت با از بین رفتن حساب اینترنت، سهم من از مدیرعاملی استارتاپ چیزی جز شکست نبود».



اما نکته ی جالب تجربه ی شخصی او اینجاست: «از هیچکدام از انتخاب هایم پشیمان نیستم و خواهم گفت چرا. علتش این است که با خودم روراست بودم. از آن به بعد فرصت های زیادی برای اداره ی استارتاپ های مختلفی داشتم اما هیچ یک از آنها را نپذیرفتم؛ چون کار من نبود. اگر می پذیرفتم نتیجه ای جز شکست نداشت؛ و این شکست شکست خوبی نیست»

او ادامه می دهد: «من به جای آنکه خودم را به انجام کاری مجبور کنم که برایش ساخته نشده بودم، پله های ترقی را در شرکت هایی که برایشان کار می کردم طی کردم و پا جای پای مؤسسان و مدیران عامل فوق العاده ای گذاشتم که حقیقتاً برای این کار ساخته شده بودند. راستش را بخواهید، نمی فهمم چرا مدیرعامل یا مؤسس یک استارتاپ بودن اینقدر مُد شده است. چیزی که من متوجه شدم این بود که سمت نایب رئیسی هم می تواند به همان اندازه جذاب باشد و درآمد خوبی هم داشته باشد»

توباک مسیری که طی کرده است را اینگونه توصیف می کند: «من کارم را دوست داشتم، سالها برایش زحمت کشیدم و در این مسیر زندگی خوبی را تجربه کرده ام، تنها به این دلیل که با خودم روراست بودم و

از روی حرف دیگران تصمیم نگرفتم. در عوض کاری را انجام دادم که برایم خوب بود. در رشته ای تحصیل کردم که برایم مناسب بود، تلاش کردم، تجربه های فراوانی کسب کردم، و شخصیت های تأثیرگذار حوزه ی فعالیتیم را به خوبی شناختم. باقی قضایا اهمیتی ندارد.»



هر روز تعداد زیادی از افراد را می بینیم که برای تبدیل شدن به یک کارآفرین هر کاری می کنند. جالب اینجاست که اغلب آنها نسبت به کاری که می خواهند انجام دهند هیچ ایده ای ندارند. به این ترتیب سالها زمان خود را تلف می کنند و در نهایت به همان جایی می رسند که از آن شروع کرده بودند؛ بی آنکه چیزی عایدشان شده باشد. و همه ی اینها ناشی از عدم شناخت خود و صرفاً به خاطر مقاله، وبلاگ یا کتاب هایی بوده که در این باره خوانده اند.

شاید باورش سخت باشد اما این دقیقاً همان کاری است که همین حالا میلیونها نفر در سرتاسر جهان در حال انجام آن هستند. اما تنها کسانی پیروز این میدان سخت می شوند که برای این کار ساخته شده باشند، عاشق کارشان باشند و خود را به موفقیت متعهد بدانند. اکثریت کسانی که قدم در راه کارآفرینی می گذارند این ویژگی ها را ندارند و در طول زمان از این صحنه محو می شوند.

همه ی آنها ایده و فکری داشته اند که فکر می کردند مهم ترین چیز است، اما به نظر می رسد ایده در این میان کمترین اهمیت را داشته باشد. همه ایده دارند؛ هر کسی که هیچ کاری هم در زندگی اش انجام نداده باشد، ایده ای دارد.

اما مهم ترین عامل چیست؟ کسانی که واقعاً برای کارآفرینی ساخته شده باشند، اهل عمل هستند. لازم نیست به آنها انگیزه بدهید. لازم نیست از کسی الهام بگیرند. آنها به محض پیدا کردن کار مورد علاقه شان، یعنی همان کاری که بهتر از هر کس دیگری انجام می دهند، دیگر نمی شود جلوییشان را گرفت. کار تبدیل به زندگی شان می شود. واقعیت این است که بدون اینها هم می توان ظاهر کارآفرینان را به خود گرفت. اما با این نگاه نباید انتظار موفقیت داشت. پس اگر فکر می کنید می توانید در کاری بهترین باشید، همان را در پیش بگیرید. این همان مسیری است که شما را به موفقیت می رساند و به احتمال زیاد ممکن است کارآفرینی نباشد.

آیا کارآفرینی در خون من است؟

مهم نیست اهل چه کشوری باشید و یا به چه زبانی صحبت کنید، اگر خون کارآفرینی در رگ هایتان جاری باشد، اشتیاق و عطش وصف ناپذیری به در دست گرفتن کنترل زندگی خود خواهید داشت و شیوه ی تفکرتان اساساً با خیلی های دیگر متفاوت خواهد بود .

وب سایت دیجیاتو - پیام ادیب: شاید شما هم توجه کرده باشید ویژگی ها و علائم شخصیتی خاصی وجود دارد که بین اکثر کارآفرینان مشترک است. مهم نیست اهل چه کشوری باشید و یا به چه زبانی صحبت کنید، اگر خون کارآفرینی در رگ هایتان جاری باشد، اشتیاق و عطش وصف ناپذیری به در دست گرفتن کنترل زندگی خود خواهید داشت و شیوه ی تفکرتان اساساً با خیلی های دیگر متفاوت خواهد بود . در ادامه ۶ مورد از برجسته ترین ویژگی های شخصیتی که بین کارآفرینان مشترک است و کمتر در بین دیگران به چشم می خورد را از نظر خواهید گذراند. اگر شما هم یک یا چند مورد از این علائم را دارید، احتمالاً به کارآفرینی مبتلا هستید.



۱- فرصت ها را می بینند

شاید اولین چیزی که توجه هر کسی را به خود جلب کند این است که کارآفرینان به صورت طبیعی اطراف خود را پر از فرصت می بینند. آیا شما هم تا به حال فرصتی کسب و کاری به ذهنتان رسیده است؟ آن هم در عجیب ترین زمان ممکن؟ در این صورت شما هم مبتلا هستید.

۲- بیشتر وقت می گذارند

آیا شما هم همیشه یک ساعت اضافی کار می کنید؟ موضوع بحث چه پروژه ای در منزل باشد و چه اضافه کاری در محل کار، کارآفرینان آن را با روحیه ی «تا تمام نشده کار را متوقف نکن» انجام می دهند. آنها معمولاً آخرین نفراتی هستند که محیط کار را ترک می کنند. هیچ شباهتی بین آنچه گفته شد با خودتان نمی بینید؟

۳- زیاد سؤال می پرسند

کارآفرینان همیشه می خواهند پاسخ ها را بدانند، مدام به دنبال یادگیری هرچه بیشتر هستند و از این که زیاد سؤال بپرسند هراسی ندارند. این است که همیشه آنها را در حال سؤال پرسیدن می بینید؛ چه از خود و چه از دیگران.

۴- سرشان شلوغ است



مبتلایان به کارآفرینی هیچ گاه با انجام «یک» کار خرسند نمی شوند. آنها به صورت ذاتی دوست دارند چند کار را با هم انجام دهند. آنها بیش از یک فرصت کسب و کاری دارند، در جامعه نقش فعالی ایفا می کنند و با این حال وقت لازم برای حضور در زندگی خانوادگی را نیز برای خود پیدا می کنند.

۵- دنیا را متفاوت می بینند

کارآفرینان این را به واقع درک می کنند که دنیا دنیای کوچکی است. امروزه، همه ی ما در صحنه ی دهکده ی جهانی زندگی می کنیم؛ دنیایی که در آن کسب و کار مرزی نمی شناسد. کارآفرینان نیز به همین ترتیب مرزی نمی شناسند. کارآفرینان بالفطره، ذاتاً کنجکاو هستند؛ دوست دارند مسافرت بروند و دنیا را ببینند.

۶- خوش بین هستند

این مورد یکی از مهم ترین وجوه تمایز یک کارآفرین حقیقی از باقی افراد جامعه است. خیلی ها می توانند بدون خوش بینی هم مدیر یا رهبر موفقی باشند اما کارآفرین خیر. روحیه ی کارآفرینی با اعتماد به نفس، پشتکار، و باور به این حقیقت پیش می رود که هر کاری امکانپذیر است. هر انسانی به صورت طبیعی ترس ها و تردید های خودش را دارد اما یک کارآفرین حقیقی هیچگاه اجازه نمی دهد این تردید ها مانع تحقق چشم انداز و بینش اش شود. اگر شما هم کارآفرین باشید، به احتمال قوی یک یا چند مورد از علائم بالا را در خود خواهید یافت. در این صورت این نوع زندگی را به خودتان مدیون هستید. به یاد داشته باشید کشور ما به انسان های بیشتری مثل شما احتیاج دارد.

